نکات تعیینی در منظومه‌های حماسی با تکیه بر مثنوی هفت لشکر

فهیمه گرچگیران
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند
مریم محمودی (نویسنده مسئول) ۲
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، ایران
احمد رضا یلده‌ها ۳
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، ایران

چکیده

ادبیات تعیینی گونه‌ای از ادبیات فارسی است که دربر گرفتن تعالیم اخلاقی و آموزش دهنده آن است. این گونه ادبی که از دیرینه‌ای به‌زودی از ادبیات فارسی بوده است با اندره‌های آذرین مهر سپندان، اندره‌های خسرو قیادان، یادگار بزرگ‌مهر و داستان مینوی خرد که بزارمانده از ایران باستان است قدمت خود را به رخ می‌کشید و با آثار شاعرانی همچون فردوسی، سنایی، سعدی و... ادامه می‌یابد. در

۱. fahimegordgiran@gmail.com
۲. m.mahmoodiVo@yahoo.com
۳. ayalameha@yahoo.com
میان انواع ادبی حماسه نیز این تعالیم را در خود دارد و در ادامه این مبحث آثاری همچون متنوع هفت-نشرک که اثر حماسه و دربرگیرنده تعالیم اخلاقی است، خودنمایی می‌کند. در این اثر که از شاعری ناشناس در قرن دوازدهم و محتملاً دورة صفویه کتابت شده است مواردی یافت می‌شود که نگارندگان را بر آن داشت تا به شیوه تحلیلی و توصیفی، درباره ادبیات تعليمی در این اثر دست به پژوهش بزنند. با طرح این پرستش‌ها که دسته‌بندی ادبیات تعليمی در ادب فارسی چگونه است؟ و شاخص‌های ادبیات تعليمی در متنوع هفت نشکر کدام است؟ پس از بررسی ها مشخص شد که سراپاند با طرح مواردی همچون بزرگداشت خرد، حمد خدا، تولک، پذیرش پند پیران، طلب دعای خیر در حق دیگران و نیز با تبیین و انداز و به طرح موضوعات اخلاقی پرداخته است که می‌تواند در زندگی امروزی هم کاربرد داشته باشد از سوی دیگر شیوه نصیحت گویی مشفقتان در این منظومه و کاربرد اینها در سراسر داستان نشان از ارزش واقعی اخلاقیات در نزد سراپانده دارد.

کلید واژه‌ه: ادبیات، حماسه، ادبیات تعليمی، متنوع هفت نشکر.

۱- مقدمه

از قدیم ترین روزگاران تا به امروز، حماسه یکی از مهم‌ترین انواع ادبی شمرده شده است. ارسطو پس از تعريف شعر به «کلام موزون خیال انگیز»، از نظر معنی و محتوی، به تقسیم آن دست فرا کرده و گفته است که: «شعر یا مربوط است به بیان عواطف و احساسات و کامرانی های انسانی (Lyric) یا مربوط است به توصیف واقع و اشخاصی که در نمايش و تجسم به کار می‌رود (epic) و یا به بیان سرگذشته‌ها و افتخارات گذشته‌گان می‌پردازد (dramatic)».

(ارسطو، ۱۳۳۷، ۱۸:۱۸) اما بايد دانست که منظور از بیان سرگذشته‌گان گذشته‌گان، تنه روايت صرف و تاریخ وار تلاشهای فکری و فرهنگی یک قوم نیست، بلکه جانچه استاد صفا اشاده
كرده اند: «سخن در اینجا از امر جليل و مهمی است که سراسر افراد ملتی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذهنگ باشد.» (صفا، 1379:۳)

حماسه (به فتح اول) وازه ای عربی است به معنی: تندی، تفتی در کار و دلاوری و شجاعت.

مجموعه‌ای از سروده‌هایهای که می‌شجاعت‌ها، افتخارات، پروروزی‌ها و کسب استقلال ملتی است که از لبه‌های قرن‌ها، سیه به سیه‌ی نقل شده و به اشکال تازه‌ای در آن‌ها است. کلمه‌‌های حماسه در پنجاه سال‌‌ اخیر دخال تعیینات نویسندگان و ادیبان ایرانی شده است. شعر حماسی همواره به تاریخ، استهله، و فولکلور ملتی هم اشاراتی دارد. (شمسی، 1380: ۳۷) نیز ر.ک. (اسلامی ندوشن، 1369: ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲) و (محجوب، 1371: ۵۵) "شعر حماسی، در ادبیات بسیاری از ملت‌ها جزو قدمی‌ترین گونه‌های است که نویسندگان و شاعرانی بزرگ در مورد آن بسیار نوشتند و سروه‌داند و این گونه‌ادبی به خاطر بسیاری از مسائل برجسته‌شده است. در این میان، شاهنامه، از جمله آثاری است که دارای یک‌گی مونحصر به فرده است و دیگر حماسی را به انداره‌ای آثری از آن بهره‌مند نیستند. ده‌های حماسی در عین حماسی‌بودن، کتاب زرف‌اندیشی و حکمت است" (رضا بیگی و سلیمی، 1391: ۱۲۰) و بسیاری از شاعران به دلیل از فردوسی، به این یک‌گی توجه داشته‌اند و در جای‌جای اثر یک‌گی گریزی به مسائل اخلاقی، حکمی و تحصیلی زده‌اند.

از آنجا که محور اصلی داستان‌های حماسی، مسائل دینی، تاریخی و ملتی است، پس ضروری است در قالب حماسه، به نکته‌های اخلاقی و تعالی، تحت عنوان ادبیات تعالی، پرداخت شود.

در این مقاله بر آن تعیین می‌شود که بررسی نکات تعالی در منظومه حماسی هفت لشکر به‌پردازیم.

در این پژوهش در صدد یافتن پاسخ برای سوالات زیر هستیم:

1- دسته بندی ادبیات تعالی در ادب فارسی چگونه است؟
2- شاخصه‌های ادبیات تعليمی در متنوعی هفت لشکر است؟

1-1- پیشینه پژوهش

از آن‌جا که بشر، بودجه‌ای ایرانیان در طول تاریخ به مسائل اخلاقی و ادبیات تعليمی توجه بسیاری داشته‌اند، در ادبیات پیش از اسلام و پس از آن، ریشه‌هایی از این نوع ادبی به چشم می‌خورد. تاکنون چندین مقاله و اثر درباره نکات تعليمی در منظومه‌های حماسی نگاشته و تدوین شده که با عنوان مقاله‌های گذشته مغایری دارد و به برخی از آنها اشاره می‌شود:

رضایی‌کی و سلیمی در مقاله «تأملی در نقش تعليمی داستانهای شاهنامه»، با وجود حماسی بودن شاهنامه، اشارات تعليمی فراوان پیرامون عبرت‌گرفن از دیگر آن، مطابق و زندگی و خردورزی دارد. (رضایی‌کی و سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱) یمله‌ها در مقاله «شگردناها و علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعليمی در منظومه‌های غنایی با تکیه بر منظومه نویافته‌نامه و نیاز» ضمن تعریف مختصری درباره ادبیات تعليمی و خاستگاه و مضامین آن، به شگردناها و علل کاربرد مضامین تعليمی در مسائل غنایی پرداخته و به مهم‌ترین روش‌های گوناگون تعليم و گفتار اشاره کرده است. (یمله‌ها، ۱۳۹۴: ۹-۱۹)، محسنی نیا در مقاله «پژوهشی درباره جایگاه ادبیات تعليمی در قصاید پارسی» به سیر تحریل این نوع ادبی و تعليمات دینی و مذهبی، آموزش اخلاقی، عرفانی و تعليمات سیاسی-اجتماعی در قصاید شاعران قصیده سراپارسی پرداخته است.

محسنی نیا، برزگر خالقی و نوروززاده چکی (۱۳۹۰: ۱۲۲: ۱۳۹۴: ۱۲۷)، در مقاله‌ی در مقاله «تبار شناسی ادبیات تعليمی» ضمن بازگویی قدمت و پیشینه ادبیات تعليمی در ایران به عنوان یک گونه ادبی، به مواجه‌آن در دوره مشروطه با انتقادات فراوان پرداخته و در آن را در نوع حکومت معمول در جامعه پیش از مشروطه جست و جو کرده است. (علی مدلی: ۱۳۹۶: ۱۱۰، ۱۲۲: ۱۳۹۱)، مشتاق مهر و با فکر در مقاله «شاخص‌های ۱۵۵
محتوایی و صوری ادبیات تعليمی، ضمن تعريف جامعی درباره ادبیات تعليمی، به شخصیت‌های محتوایی و صوری آن پرداخته و نموده‌هایی از منفی‌ها، راکتیک، نیفت، نشر و نشر را برای این شخصیت‌ها آورد است. (متن‌تاق مهر و با فکر، 1394: 1)، ایدل‌دیلو در مقاله «زئین قیان‌ها: منظومه پهلوانی ناشناخته‌ها» در بخش موضوعات اندیشه‌گی/ فکری ناظر زئین قیان‌ها به پرویز از فردوسی در جای‌گزاره‌منش روان‌های، در قالب یک‌جا چند نیت به بیان مسائل تعليمی گروای زده است. (آیدل‌دیلو، 1393: 2)، رنجر در کتاب «چاپش‌های فکری فردوسی»، به بهره‌مندی فردوسی از احادیث نبودی و آیات قرآنی به طور مستقیم و غیر مستقیم و نیز عمد مسائل و نکات تعليمی در لایه‌های ادبیات شاهنامه اشاره کرده است. (رنجر، 1379: 379-379) و کتاب «جستارهایی در ادبیات تعليمی ایران» از مربع مشترک که در آن، بخشی از آثار تعليمی تحلیل شده است.

۲-۱- ادبیات تعليمی

ادبیات تعليمی از متمرین و اصلی ترین گونه‌های ادبی است که نیکبخت‌ی انسان را در بهبود مسئه‌خلاقی و می‌داند و هم‌خود را موجه آموخت و تعليم انديشه‌های پستندیده دينی، عرفانی، فلسفي، مسائل‌خلاقی، علوم قانونی، تهذیب‌نفس، ترکیه‌ذن، بروش‌قوای روحوی و تعالی و کمال‌الانسان می‌کند. (متن‌تاق مهر و با فکر، 1394: 1) نیز ر.ک. (مشرّف، 1389: 9)

ادبیات تعليمی شخصی‌های محتوایی و صوری خاصی دارد که از این شخصیت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- شخصیت‌های محتوایی: آموزش‌های سازنده و تهذیب کننده، خردوزن‌های، واقع‌گرایی و دور از خیال‌افکت، دیدگاه تقدیر تولید، درون‌گرایی و غیره.
۲- شاخص‌های صوری: سادگی و رسایی زبان و بیان، تاکید بر بودن تشیب، مختلط و خواندن‌محور، نیز بالای جملات استفهامی، امری، ندایی و نهی‌های و غیره. (مشتاق، مهر و بافکر، ۱۳۸۲:۲۱)

ادبیات تعلیمی دوخاستگاه کلی دارد:
الف) خاستگاه درونی: من شاعر.
ب) خاستگاه زیروین: اجتماع و گفتگوهای غالب در آن. (یلیم‌ها، ۱۳۸۵:۸۵)

ادبیات در دوره‌های آغازین اسلام به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تعلیم اخلاق می‌پرداختند و بیش از آن نیز بر آموزه‌های تعلیمی ایران باستان مانند وصف باده نوشی و یادآوری‌پذیره‌ای و داشتن اصل و نسب شاهی برای پادشاه، کننده و غیره تأکید می‌کردند؛ اما به مرور مسائلی که با موازات اسلامی مطابقت نداشتند از این ادبیات سردره شد و مسائل و آداب و احکام نازدهای مانند آیات، احادیث، مفاهیم و دستورات دینی اسلام در این کتاب‌ها انکاس یافت. آوردن موعظه، حکمت و پنده و اندرون در شعر فارسی از اوایل قرن چهارم هجری آغاز شد و شاعران، این نوع شعر را با قطعه‌های کوتاه آغاز کردند. از اوایل قرن ششم هجری سنایی گزنوی باب جدیدی را در سرودن اشعار حکیم‌های عارف‌انه باز کرد. موفقیت وی در اشعار موعظه گونه و حکیم‌پانه باعث شد تا در اوایل قرن ششم اشعار مورد استقبال گروه‌ی زیادی از شاعران از جمله جمال‌الدین اصفهانی، قوام‌رآی، خاقانی، نظامی و نوری واقع شود. (همان: ۷۱-۲۱)

سیر تطور و تحول ادبیات تعلیمی منظوم در ایران را به چند دوره نام‌گذاری کرد هاند:
۱- دوره مؤثر از اندرزناه‌های ایران باستان: ساسانیان در قرن آداب و تاریخ و هندسه، حکم‌نامه و پنده و اندرون ادشته اند که این اندرزها شامل کلمات قصیر و حکیم‌نامه‌ای است که پس از اسلام
نهی بر ادیبات ایران تأثیر بسزایی گذاشته است و تقریباً بیشتر این آثار تحت تأثیر سفارش های دین زرتشتی است. از جمله این کتابها و رساله‌ها می‌توان به: اندیشه‌های آذر وبعد مهر سپیدان، اندیشه‌های قیادان، یادگار برگمهر و گذشتگان مینوی خرد اشاره کرد. آن سخنان پند آمیز را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:
الف) تعالیم اخلاقی و پند و اندیش‌هایی که جنبه عمومی داشته و نیکبختی برح را هدف اصلی قرار داده‌اند و موضوع دوایل و فضائل اخلاقی، محور این تعالیم است.
ب) تعالیم اخلاقی و پند و اندیش‌هایی که اصلاح رفتار و کردار پادشاه را وجهه هم‌ت خود قرار داده است، زیرا حکیمیان باستان، جامعه را به منزله بدن و پادشاه را به همراه و از نظر آنان صلح و فساد آحاد مردم در حالت و فساد رجال حکومت، بوزه شخص پادشاه بوده است. مهمترین نمونه های آن عبارتند از: کتاب ششم دینکرد، اندیشه خسرو قیادان، عهد اردنیژ و غیره. (پلیسه، ۱۳۹۵: ۷۲-۷۵)

۲. دوره رودکی (قرن چهارم ه.ق.): اشعار برخی شاعران این دوره باید تابعی می‌فرعی و برخی می‌بشری و انسانی است. بیشتر اشعار رودکی در حیطه‌ی اجتماعی و انسانی جای می‌گیرد.
(همان: ۷۵)

۳. دوره ناصر خسرو (قرن پنجم ه.ق.): در دوره ناصر خسرو ناامنی‌هایی سیاسی و شرایط نابسامان اجتماعی که حاصل سیر شتابان دگرگونی در حکومت‌ها و مسائل مرتبط با آن بود، لزوم توجه به بحث‌های اخلاقی را آشکارتر کرد و این در حالی بود که سعی داشتند موضوعات اخلاقی و تعالیم مربوط به تهذیب نفس را در بین حاشیه‌های جامعه مطرح کنند و بپردازد زمینه‌ی رواج این آموزش‌ها را در میان مردم فراهم آورند. (همان: ۷۶)
4. دوره سنایی (قرن ششم ه.ق): سنایی رستگاری آدمی را در گرو اعمال نیک می‌داند. که این امر سبب عنايت و عدم خشونت خداوند به بنده می‌شود. بنابراین شعر اکلامی پر از پند و اندرز را می‌سراورد که به فهم خوب و به زندگی کمک می‌کند. (همان: 77)

5. دوره نظامی (قرن ششم ه.ق): نظامی بعد از سنایی در ایجاد منظومه‌های حکمی و تعليمی توافق یافت. در پایان قرن ششم و اواخر قرن هفتم عطار با منوی‌های ساده و آموزنده ای تنوع شعر را با قوی آدامه داد که منطق الظیر، الهی نامه و مصیبت‌نامه از آثار ارزشمند او در این زمینه است و شعران مسائل اجتماعی و حکمی را در نهایت شیواپی بیان می‌کردند. (یلمه‌ها، 1395)

6. دوره سعدی (قرن هفتم ه.ق): در قرن هفتم سعدی با وارد کردن ادب تعليمی در آثارش بیوزه بوستان، سپس به وجود آوردن باورهایی در میان مردم شد که: گاهی انسان فراموش می‌کند که زندگی او جوایدان نیست و روزی که قرار باشد از دنیا برود، ثروت دنبال نمی‌تواند لحظه ای به زندگی او بیفزاید. این جریان تا زمان مشروطه اداره دارد. در این دوره عقاید اجتماعی، ظلم سیاسی، آزادی خواهی و... به عنوان مضامین تعليمی، سیاسی و اجتماعی در آثار شاعرانی چون ادبی الممالک فراهانی، ملک الشرعی بهار، اشرف الدین گیلانی، پروین اعتیضو و غیره شکل می‌گیرد. (همان: 80-81)

2- بحث و بررسی

2-1- ادبیات تعليمی ضمن ادبیات حماسی

از میان انواع ادبی، نوع تعليمی علاوه بر شکل مستقل آن که در قالب آثار اختلافی عرضه می‌شود، در لابه لای انواع ادبی دیگر اعم از حماسی، عرفانی و غنایی نیز به چشم می‌خورد. ادبیات تعليمی طیف وسیعی از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد. پند و اندرز، آمونه های زه پی آمیز و
اختلالات گونه‌های رنگارنگ ادبیات تعلیمی فارسی است. حتی درونمایه‌های تغذیه و حماسی در ادبیات فارسی به نوعی با آموزش‌های اختلالی بیوند یافته است.» (همان: 71)

پرداختن به نکات تعلیمی در ضمن ادبیات حماسی باعث برخی روشنگری‌ها می‌شود که عبارت‌دکتر از: ستایش یزدان، یادآوری و ذکر صفات پروردگار، نکوهش سراج سینجی و به اعتباری جهان، دادگری، ستایش خرد، احترام به بزرگان، قطعی بودن مرگ، اشاره به آیات و احادیث، انذاور و تبشیر و غیره. هفت لشکر در قابل مثنوی، داستانی است حماسی و کمتر برهم و عاشقانه که در 8164 بیت، در بحر متقارب مثّم محدود و به خط درست تعلیق تحریری در 596 تکنیک، توسط کاتبی‌نشان محاصل عصر صفوی به رشته تحریر در آمده است. به در لیل اینکه آغاد و انجام آن افتاده، اطلاعی درباره شاعر آن در دست نیست و از نوع کاغذ و سطر بدون اثر، احتمال می‌رود که سراپیشه از مردم شبه قاره هند بوده یا اثر در هند کتابت شده باشد. شاعر در سرودن این مثنوی، به شاه‌نامه فردوسی بسیار نظر داشته است. این مثنوی، روایت منظومی از داستانی است که در طومارهای نقائی با نام «هفت لشکر» آمده است. بخش اعظم و قابل ملاحظه‌ای از این مثنوی، به داستان برزو و فرزندش تمرکز یا تیدور که قصد بر تخت نشاندن برزو را به جای کیخسترو داشته، اختصاص یافته است. هفت لشکر برخلاف شاهنامه و دیگر مثنوی‌های داستانی و به دلیل فقدان آغاد و انجم نسخه، مقدمه مستقلی در آغاز ندارد و حضور شاعر آن در سراسر متن چندان آشکار نیست و بیشتر جاها شاعر به صورت را و گویند داستان خودمانی با می‌کند. به همین منظور مطلب زیادی درباره جهان‌پنی و اندیشه‌های شاعر به دست نیامده است و در خلال متن می‌توان به چندین مورد از نکات تعلیمی اثر اشاره کرد.
۲-۲ نکات تعلیمی در متن‌های هفت لشکر

۱-۲ نکات پژوهش و منابع پژوهش و استفاده به درگاه خداوند:

سرایندگی هفت خداوند متعلق را یکی از می‌کند و یک‌گانه‌پرسی را با گم‌کردن آیا قرآن تجزیه و تحلیل می‌کند. او علاوه بر بر سرودن ایبایت فراوانی درباره خداوندی، از زبان قهرمانان داستان‌هاپیژن به مناهج خداوند می‌پردازد؛ همچون مناهج نمودن کیخسرو و آمند رستم و پهلوانان ایران به یاری از که ای پادشاه، زمین و زمان کمربه، بر کین ما سر به سر تدوینی که این شاه بیدادگر (هفت لشکر: ص ۲۱۷)

قهرمانان هفت لشکر در هنگام نیاپش با فروتنی و خشوع دست نیاز به درگاه او بلند می‌کرده و از او درخواست می‌کرده‌اند آنها در آغاز جنگ‌ها و پایان آنها به مناهج می‌پردازند. برزو هنگام آمادگی برای زمزه در درگاه پرورده‌کار خویش چنین استفاهه می‌کند. 

جهان آفرینندگا دادگر
تو باشی نگارنده بحور بر
به آم‌آرگنبا درد و سوز
که دارد موهی زبب تا به روی
یکی نی‌روم بخش ای دادگر
که فرداب بندم به کینه کمر

(همان: ص ۳۷۳)

کیخسرو در نامه‌ای که به گیو می‌نویسد، پرورده‌کار را حامی و پیای تمام افراد بشر دانسته است و به صفت رزاقیت خداوند اشته می‌کند.

خداوند این لاجورد سپهر
نگارنده اینچین ماه و مهر
پناه کسان و کسی بر کسان
خداوند رزاقی روزی رسان
(همان: ص 45)
"کُلّٓ اَمْرَ ۗذِی بَالَ ۗلَمْ یَذِکَرُ ۗبِسُمَ اللهۚ ۖفِی ۗفَهۚوُ أَبَّتَ"؛ هر کار اهمیت داری که با "بِسُمَ اللهۚ الَّهَ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهَ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهُ الَّهَ الَّهَ الَّهۚ" شروع نشوء ابتر (بی برکت و بی نتیجه) است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۸۳) در این مثنوی همه نامه‌ها بانام و بیاد خدا و حمد و سباست و آغاز می‌شود سراینده‌با یادآوری صفات

خداوند، عقل و فطرت مخاطب خود را برمی‌انگیزد.

سر نامه برق نام پروردگار
خداوند روزی دو مورو مار
نگارنده اینجنین ماه و مهر
پناه کسان و کس‌پی کسان

(همان: ص ۱۰).

۲-۲- ستایش خرد و خرده‌مندی:
آگاهی و هوشیاری و خرده‌وزی از جمله آموزه‌های اخلاقی است و از نکات مهمی که در هفت لشکر به آن اشاره شده، ارزش و مقام خرد است. در جایی شاعر پس از ستایش یزدان، به ستایش خرد پرداخته که برگرفته از تعیینات اخلاقی-اسلامی و قرآن و احادیث است و به حديث نبوی "اولِ ما خلق الله العقل" (مجلیس، ۱۳۶۷: ۱۷) اشاره دارد.

که در اولِ نامه نام خدائی
خداوند روزی دو رهنمای
بیارسی از انجم و ماه و مهر
چنین طرفه بنباد عالم نهاد

(همان: ص ۴۵)
همچنان که مشاهده می‌شود شاعر عقل و خرد را موهبتی الهی می‌داند که تنها در وجود آدمی قرار دارد و موجب بزرگی و کرامت ایست. در جایی دیگر شاعر، سیاوش را خردنده و آگاه نشان می‌دهد.

به عالم شهی چون سیاوش نبود خردنده بیدار خامش نبود (همان: ص ۶)

۳-۲-۱- یب اعتباری و یب وفاوی دنیا:

یکی از جنبه‌های قابل تامل هفت فلوکر، نگرش سرایندگان به جهان است. نگوهش جهان سپنگی و

یب اعتباری و یب وفاوی آن از بررسی‌های موضوعات این مثنوی است ایست.

جهان ازده‌های است مردم زبان بر ازدها تنوائی می‌ای (همان: ص ۶۱)

بی‌بد کردار این گوشه‌پشت کند روبه‌هان را همی شیرگیر

شود شیر در چنگ‌گی روبه‌ايسر

(همان: ص ۸۱)

علی (ع) می‌فرماید: «هان! زندگانی چند روزه دنیا شما فریب ندهد، که دنیا خانه‌ای است پر یز نهج بلا و محنت وعنا، وبرایه ای است نابایدار، و عجوزه‌ای است مکار، حالاتش متزلزل و

منقلب، و ساکنانش مشوش و مضطرب» (نهج البلاغه:۱۶). در کنار اشکار به یب اعتباری دنیا شاعر به قطعی بودن مون‌مرگ هم با انتگیره آگاهی مخاطب پرداخته است:

دریغنا که عمر است مانند باد همه رنجمان هست درد هر یاد

بوذ آخر از نیش مان زهر بهر سرانجام خواهیم رفتی ز درد
۴-۲- احترام به شاه و پرزگان و پدر و مادر:
از گذشته‌های دور و در آن‌ها بیان‌های باستانی، احترام به پرزگان و زمین بوسی در برابر آنان مرسوم بوده است که از تعالیم دینی ما نیز محسوب می‌شود. پادشاه در رأس حکومت قرار داشته، و مردم و مقامات مملکت به هنگام حضور در پیشگاه او، آداب احترام و ادب را به جای می‌آوردند. از جمله یک آداب، زمین بوسی است. سعیدی نیز در ایبایی به این مورد اشاره کرده‌است:
مانند حکایت سوم در باب اول گلستان که ملک زادگی به سبب کوتاهی خود مورد تحقیق پدر قرار می‌گیرد. اما با این حال به هنگام هجوم دشمن از خود رشادت نشان می‌دهد و بر سپاه دشمن می‌زند و چون چون پیش پدر آدم زمین خدمت بوسیده (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۸) در مثنوی هفت لشکر می‌خوانیم:

بی‌اعداد نشست از پدر بور
بوسید بر شاه گردد آفرین

(هفت لشکر: ص ۸)

فرامرز بوسید دست پدر
دعای در پهلو نامور

(همان: ص ۷)

۵-۲- پرهیز از صفات رذیله اخلاقی:
رذیله به صفتی اطلاق می‌شود که مانع شناخت عالی و حقیقی خداوند و بندگی او و برخورد مثبت با سابر بندگان شود. رذایل اخلاقی سبب نابودی انسان می‌شوند و در هیچ مذهب و جامعه ای پسندیده نیست. حسین، از رذایل اخلاقی، گناهان کبیره و به معنای آرزوزی زوال نعمت‌ها و داشته‌های دیگران است. علی (ع) فرموده‌اند: «الحتد دعا عیان لایزول إلا بِهْلُكِ الحاسید أو موتِ
المحبوب» حسد یک بیماری علی‌البیری است که جز با یار در آمده‌اند، حسود یا مرگ طرف مقابل زوال نمی‌پذیرد. ( غرفالحمک و دررالکلم، ص 67)

حسد مرده را در بلافاکند

تن اندر دم ازدها افکنند

(هدف لشکر: ص 10)

بیخنیدی بر رسم با دست‌درد

زینتی کجا آفریدون گرد

مشو غره بر خود، چه پنداشتن

از آن تو باشد، بجو آتشی

(همان: ص 5)

۲-۶ - توکل بر خدا و پشتیبانی از:

توکل از دیگر آموزه‌های اخلاقی است که با ازکیزه ترغیب مخاطب، از را امیدوار می‌کند.

بگفتند لشکر که این نیست رای

که تناه روح سویی کوه بای

چرا خویش را در بلافاکند

تن اندر دم ازدها افکنی

مکن اینچین کار ای نامور

می‌داند که بینی ازیزان ضرر

گرازه بگفت ما خدای کریم

بی‌ورد یاورم، از کسی نیست بیم

(هدف لشکر: ص 60)

‌حوادن نیز فرمودهاند: «و من یتاوکل على الله فهی حسنیه ان الله بالغَ امره قد جعل الله لكل شیء قدرت» (طلاق ۳۶) و هر کس بر خدا اعتماد کند و برای وی بس است خدا فرمانش را به‌انجام رسانده است به راستی خدا برای هر چیزی انداده‌ای مقرر کرده است. سرایده مثویه هفت لشکر ماند بسیاری از شاعران بزرگ انسانی فارسی عقیده یعنی هر قضا و قدری حتی است و آدمی را در برابر آن، چارهای نیست. و به این ترتیب، بیجارگی و تسلیم در برابر
حوادث را تعلیم می‌دهد. قضا و قدر و حکم الهی تغیرناپذیر است و باید تکل کرد و مطع
بود.

بیاورد دژخیم برزوزی را
سرافراز گرد نگوختی را
شندان آن دلیران؛ پر از آبی‌رنگی
چو آمد به زندان گوی نگوختی
همی گفت هرکس به زاریزار
همی دادم جان‌ها به دین جای خوار
چین داد برزوی آن را جواب
که نبود بدنی کارها را شتاب
که نبود بدنی کارها را شتاب
پُود حکم، حکم خداد جهان
کند هرچه‌خواهد به ما درجه‌ان

(همان: ص 167)

۷-۲- پرهیز از مقاله و مصاحبت با زنان

برخلاف فردوی که در جای جای نامه باستان، زنان را نتوانسته، ناظم هفته لشکر چندین بار از
زبان شخصیت‌های داستانی منظومه، زنان را نکوهشت کرده و آنان را بی‌توجه، راز ندارد، حاسم و
کم خرداد دانسته که از از انتخابی از اندیشه‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های ژنستی‌های
عصر صفوی است» (آیین‌نامه، 1392: 32).

در میان ادب فارسی بسیار دیده می‌شود که زن خوب کسی است که همه‌شده در خانه باشد و از
تاج‌آمد امام شوهر اطاعت و به‌تون‌تفریغمنته همت گمارده. پراز این عقیده در منظومه‌های هفت
لشکر به ناتوانی بودن حضور زنان در میدان جنگ اشاره شده است.

نباین چنین گفت بانو گشاسب
می‌توان که تا بازدانسخن اندکی
که نبود هم‌بسنجنشن باریگی
ابا شادی و رامش و مهرباش
ولی زن بود هم‌بوی بلال مست

میفزرو خمی چو آذر گشاسب
که تا بازدانسخن اندکی
مرا هم‌با خویشت‌ن باریگی
چنین گفت دستا در شهر باش
زنان از هم‌بست دان‌ها و بازوندست
شیستان زنان را یکدیگ در جهان

(هفته لشکر: ص ۲۳۰)

دیدگاه منفی درباره زن، بر اساس این باره است که زنان موجب گمراهی مردان و یا جامعه می‌شوند؛ بنابراین با انتقال بارهای تبعیض آمیز و تحقیر آلود، به گونه‌ای از توجه جامعه به آنها جلوگیری شود. در هفت لشکر درباره هم زبان نشان با زنان چنین آمده است:

که با زن مشو هم زبان در جهان

(همان: ص ۳۷۰)

عظمت و پاکدامنی از آموزه‌های ضروری و با ارزش برای زنان در مثنوی هفت لشکر است.

زگی‌سو به آتش نهادند عود
همه بی‌غش و بی‌کش و بی‌گسار

(همان: ص ۱۱۱)

محمد عواف درباره زنان پاکدامن و پارسا می‌نویسد: "بابا دانست که آنفید گار سبحانه و تعالی رحمت خود به هرکس که خواده دهد، اگر چه ناقص باشد کامل شود، و اگر چه زن باشد بر مردان عالم شرف و مربیت پایبود خلقت ایشان اگر چه از استخوان کر بوده است و کی که در طبیعت ایشان مرکز و مجمول است و لاک چناسب زن باشد که مقنعت دوگزی ایشان بر دستان سی‌گزی مردان ترجیح دارد و هرچی نعمتی مر آدمی زاد را ورای زن پارسا نیست" (عوافی، ۱۳۷۱: ۹۸)

شاعر، زنان آگاه و کارآمد را بهتر از مردان نادان و تیره روان دانسته است.

جو به همین گفته افراسیاب
بیو کرد پرچین و سر پر شتاب
بنتیده بر لشکری سر به سر
که ای بهندازدان بی پا و سر
داداره دو مردی و فرهد (زور)
شما کمتردازندان در جهان
(همت لشکر: ص۳۲)
از دیگر باورهای کهن درباره زنان که برگرفته از مراهم خاکسپاری مردگان قوم سکاپی است که آین خاصی برای دفن مردگان، بزگ‌ه شاهان و بزرگ‌دانش‌اند. معمولاً همراها شاه متوقی یکی از زنان غیرعقدی او و دیگر خدمه مانند آشپز، غلامان و نامه رسان او را همراه با اسب و جواهرات وی بصورت ایستاده و آماده به خدمات، به خاک می‌سپرندند. (ظاهری، ۱۳۹۱:۱۳۶۷)
کشتن و ریختن خون زنان را به‌دشک‌نیزی می‌دانستند هنوز هفت لشکر نیز به آن اشاره کرد.

از آن خواب‌های دردسر، دو کفته که به آن اشاره کردند

از آن خواب‌های دردسر، دو کفته که به آن اشاره کردند

(همت لشکر: ص۳۳)

۳-۲ ابزار و شیوه‌های تعلیم در هفت لشکر

۱-۲ پند و اندرز پیران و بزرگ‌‌دان:
اندرز مخاطب خوش را به گوش فرا داده‌ن به آواز پسر خوش‌، بل به ندای تجارت به‌هی‌ن‌
اکس و یا یه فرمان‌گان و خرد‌مان‌ دعوت می‌کند. اینان و جدال بیدار جامع‌هاند و سخنان
منسوب به آنان نداي اين وجدان است، (فوشه كور، 1377: 1). شاعر در هفت لشکر پنديران را
راهگما و رهانتنه از مهلکه مي داند.

ابا پور خود در رو داروگير
ولينگ چه خوش گفت دهقان پير
شغالان پيايند آنگه دلير
چو بيشته تهي گردد از نره شير

(همان: ص 219)

چو خوش گفت داناي فرخنده كام
گرزي بهنگام سر بر به جان
زجنگي که پايت در آمد به سنگ

(همان: ص 174)

2-3 آوردن تمثیل و حکایت با قصد تیبین و انتقال مضامین به مخاطب:
شاعران و نویسندگان به استفاده از مثل و تمثیل به عنوان عنصر بلاغی موثر توجه ویژه داشته‌اند.
سراینده هفت لشکر نیز با آگاهی از قدرت اقناعی نته‌های در تمثیل و مثل، در جای چاپ منظومه
خود بیان ملل و تمثیل می پردازد و سعی در بار پذیری گفته اش از سوی مخاطب دارد.

چو بشند از او این سخن زال بیر
بی‌ار گفت کان پير روشن روان
به پيرو پر از زندگی گشت شیر
چراغ كه‌نان، افتاب مهان
چه گفتست دانای روشن گهر
گفتراي اين داستان را مگر
تو نشیدي، نباشد دلير و سرگي
فردست، نباشد دلير و سرگي
که کوم کود کمان را به کار بزرگ
چوان‌گره باشد به پیکار شیر
نيلار به سر عقل روپا‌و پير
کسون بودنی بود، بود آخره بود
تأسیف نيلار کنون هچ سود

(هفت لشکر: ص 191-192)
برخی از اندکی از ایبیتین منظومه می‌خواهند و در پیش هستند با به دلیل روانی و درمان‌های موثر و فراگیر در حکم مثل تلقی می‌شوند؛ زیرا از نظر برخی صاحب‌نظران مضامین حکیم‌نشان و قاعده‌ای از ویژه‌گی‌های اصلی ضرب‌المثل است. (حکمتیار، 1368: 81) استفاده از مثل بیشتر برای این است که روی‌دادی، ماجرا‌ی، سخن‌یایی با تصمیم‌یاری به‌نسبت و عقلانی جلوه کن زیرا مثل حاصل‌خرد جمعی پیش‌بان است و به تأثیر کلام کم‌ک در کننامه‌های فن شکر همچنین از نقل‌این امثال اهداف گوناگونی نظیر تنبیه و تحذیر، بزرگداشت، خوارداشت و ... را دندال می‌کند.

نمونه:

همه هسته‌ی با من گه تو فزران
چو چنگی نه ای، جست بیش از

(هفته لشکر: ص۲۵۷)

در ایبیتین نظر شاعر با انجیره‌ته حذیق و هشدار و با آورون ضرب‌المثل، مخاطب را از هم‌نشینی با دوستان ناباب و فریب‌کار برآورده می‌دارد.

که منشین تو هر گرا اب‌بندزد
چین راپاکزی
که گفتی چنین در جهان بد مدار

(همان: ص۱۶۴)

۳-نتیجه‌گیری

ادبیات تعیینی گونه ای ادبی است که از دیرباز در ادبیات فارسی چاپ‌گذاری ویژه ای داشته است. در ایران پس از اسلام این ادبیات در قابل آموزه های مستقیم و غیرمستقیم خود را نشان می‌دهد. ابتدا زیترین نوع تعیینی در دوران ساسانیان و با آذری‌های مهراب‌سدن، یادگار بزرگ‌گهر و مینوی خرد شناخته‌شده است. در دوره‌های بعد نیز شاهد انواه گوناگون و صورتهای مختلف
ادبیات عالی در آثار بازگانی همچون فردوسی، سنایی، انوری، سعدی، مولانا و غیره اشاره کرد. در مثنوی «هفت لشکر» ایبایت زیادی را می توان یافت که به طرح موضوعات اخلاقی پرداخته است که می تواند در زندگی امروز هم کاربرد داشته باشد. نکات برجسته ای از تعلیمات اخلاقی و انسانی از قبیل بزرگداشت خرده، حمد خدا، توگل، پذیرش پنده پیران، دوری از هم‌صحبت با زنان و با تأثیرپذیری از آیات و احادیث همراه است. شیوه نصیحت گویی مشفقانه در این منظومه و کاربرد آنها در سراسر داستان نشان از ارزش واقعی اخلاقیات در نزد سراینده دارد.

متابع

۱- قرآن مجید
۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام
۳- آیه‌النبوت، سجاد، (۱۳۹۳) زرین قیا: منظومه پهلوانی ناشناخته، دو فصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۰، شماره ۷۷، پاییز و زمستان.
۴- ارسطو (۱۳۷۷) فن شعر، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵- اسلامی ندوشن، محمدرضا (۱۳۶۹)، سرو سایه فکن، تهران: انتشارات انجمن خوشنویسان ایران.
۶- تیمی آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶) غزه‌الحكم و درر الكلم، شرح: آقا جمال الدین خوانساری، قم: دفتر تبلیغات.
۷- حکمت، علی اصغر (۱۳۶۵) امتال قرآن، تهران: بنیاد قرآن.
۸- رضا بیگی، مریم و سلیمانی، علی (۱۳۹۱) تألیف در نقش عالی در داستان های شاهنامه، فصلنامه تحقیقات عالی و عناصر زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره پاییز: سبزه و چهاردهم.
۹- زنجری، احمد (۱۳۷۹) جاذبه های فکری فردوسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰- سعدی، مصلح الادین (۱۳۸۱)، کلستان، تصحیح غلامحسین بوشلو، تهران: نیلفر.
۱۱- شمس‌الدین، سیروس (۱۳۸۰) اندیکا، تهران: انتشارات فردوس.
صفحه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی-دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج-سال 1385-شماره 28-بهرام 98

172

12- طاهری، محمد (1391) گاجیگاه و تأثیر قوم سکایی در تاریخ و شاهنامه فردوسی، متن شناسی ادب فارسی، سال چهارم، شماره 1 (پاییز 1391).

13- علی مدیعی، منا (1394) تاریخی ادبیات تعلیمی (نگاهی به چراپی شکل گیری و گسترش ادبیات تعلیمی در ایران)، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره 25.

14- علی‌عبسی، سید‌الدین محمد (1371) سوابع الحکایات و لواع الروايات، تصحیح محمد معین، تهران: دانشگاه تهران.

15- فرشته کور، شاهره (1377) اختیارات، ترجمه محمد علی امیر عزیز و عبدالمحسن روح‌اللهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

16- فرشته کلاهی محمدحسن فیاض، (1402) تفسیر صافی، مؤسس‌های علمی للمطبوعات، بروت، الطبعة الثانية، 5جلد.

17- مجلسی، محمد باقری (1363) بحارالانوار، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، جلد 1، تهران: نشر کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر.

18- مجیدی، محمد جعفر (1371) آفرین فردوسی، تهران: انتشارات مروارید.

19- محسنی نیا، ناصر و پرستو خالقی، محمد رضا و نوروز زاده چگینی، وحیده (1390)، پژوهشی درباره گاجیگاه ادبیات تعلیمی در چهارده شخصیت پارسی، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره 20.

20- مشیر، مرحوم (1396)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: انتشارات سخن.

21- مشتاق، مهران و باکفر، سردار (1394) شخصیت‌های محتوا و صوری ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره بیست و ششم، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی.

22- پلمه‌ها، احمد‌رضاء (1395) بررسی خاتمه‌ای ادبیات تعلیمی و سر تطور و تحویل آن در ایران، سال هشتام، شماره 29.

23- رهنم، محمد و علی‌رضا، کالری‌زاده (1396) شرح‌ها و علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظوم‌های غنایی با تکیه بر منظومه نو یافته اقتیاد و نیازه، سال نهم، شماره 34، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی.

24- هفت‌لشکری، پریتا، بی. تا. نسخه خطی، مرکز دائرة المعارف پژرگ اسلامی، شماره 1855.